

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



چهل حدیث از امام حسن علیه السلام

چهل حدیث از امام حسن علیه السلام
ترجمه و تدوین: اداره امور فرهنگی معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
شاعر: حسین ابراهیمی، علی اصغر دلیلی صالح.
مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵.
۴۸ص- (انتشارات آستان قدس رضوی، ۷۸۳)
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۲-۱۰۴۲-۰
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
۱. حسن بن علی علیه السلام، امام دوم، ۳-۵۰ق- - احادیث.
۲. احادیث شیعه- - قرن ۱۴.
۳. شعر مذهبی- - قرن ۱۴.
الف. آستان قدس رضوی، اداره امور فرهنگی معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی.
د. (انتشارات آستان قدس رضوی).
ه. عنوان.

۹/۲/۴۷/۴۱ BP ۲۹۷/۹۵۹
کتابخانه ملی ایران ۱۵۸۵۹-۸۵ م



چهل حدیث از امام حسن علیه السلام (کریم اهل بیت علیهم السلام)
ترجمه و تدوین: اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی
شاعر: دکتر حسین ابراهیمی - علی اصغر دلیلی صالح
مدیر هنری و طراح گرافیک: رضا باباجانی
صفحه آرایی: محمود بازدار
نوبت چاپ: چهارم - ۱۳۹۰
شمارگان: ۲۰۰۰
ناشر: انتشارات قدس رضوی
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۲-۱۰۴۲-۰
چاپ: مؤسسه فرهنگی قدس
نشانی تهیه کننده: مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی
ضلع غربی، اداره امور فرهنگی تلفن: ۰۵۱۱-۲۰۰۲۵۶۷
صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵
حق چاپ محفوظ است.



- ۱ هدیه‌ی دیدار
- ۲ روشنای اهل بیت
- ۳ پرچم هدایت
- ۴ پرسش نیکو
- ۵ بخشش بی‌سؤال
- ۶ رسم نیکوکاری
- ۷ کوله‌بار سفر
- ۸ سایه‌ی مرگ
- ۹ غم فردا
- ۱۰ حساب و عقاب
- ۱۱ عزت بندگی
- ۱۲ درویشی و خرسندی
- ۱۳ حرم امن دوست
- ۱۴ مشورت و هدایت
- ۱۵ مدارا با مردم
- ۱۶ شکر نعمت
- ۱۷ راز خداوندگاری
- ۱۸ حاجت از غیر
- ۱۹ اخلاق بد
- ۲۰ کلید حکمت



پاداش مصیبت	۲۱
زهد و تقوی	۲۲
اخلاق نیکو	۲۳
اغتنام فرصت	۲۴
پستی ناسپاسی	۲۵
شیوهی دوست یابی	۲۶
کسب معاش و اعتدال	۲۷
قبول عذر	۲۸
غذای روح	۲۹
بزرگی و بخشش	۳۰
ناداری جهل	۳۱
وصف کرم	۳۲
عقل و ادب	۳۳
حیا و ایمان	۳۴
جوانمردی و همت	۳۵
تأکید بر واجبات	۳۶
دیده و دل	۳۷
عبادت و تزکیه	۳۸
پرهیزکاری	۳۹
تعظیم خداوند	۴۰

به نام خداوند مهرآفرین

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و خاندان پاکش علیهم السلام فرمانروایان اقالیم سخن اند، سخن در کام آسمانی آنان نرم تر از آب، در جان جویباران است. جوشش سخن از لبان گوهر بار آنان، چونان جوشش نور از چشمه‌ی خورشید است. آنان بر خلاف دیگران، دانش را از منابع بشری و از لابلای کتاب‌ها در نیافته‌اند، بلکه شاهد علم را دست شاهد علیم علام، در کامشان ریخته است. علم آنان از مقوله‌ی علم حضوری است، نه از جنس علم حصولی. چیزی نزد آنان ناپیدا نیست تا با کاوش و جست‌وجو پیدایش کنند.

در زیارت جامعه‌ی کبیره در وصف اهل بیت علیهم السلام به توصیفاتی برمی‌خوریم که در خور فهم ما، عظمت اندیشه و دانش آنان را باز می‌نمایاند. توصیفاتی چونان: گنجینه داران علم، گنجوران دانش، نور و برهان الهی، نگاه داران راز الهی، خزانه داران علم خداوندی، ودیعه داران حکمت ربانی، زبان‌های وحی الهی، میراث داران نبوت و... از جمله توصیفاتی است که از آن بزرگان بی‌نظیر، ارائه شده است. تردیدی نیست که برای دست‌یابی به سرچشمه‌ی دانش و معدن حکمت، باید رو به درگاه آن بزرگان نهاد و گوهر علم و حکمت را در نزد آنان جست. و از این منظر، بازخوانی سخنان گهربار امامان هدایت، ضرورتی فرا زمانی است که در هر روزگار و زمانی می‌تواند فرزندان آن روزگاران را به اندیشه‌ی درست و مسیر حق، راهنمون سازد. و شاید به همین دلیل است که در روایات، تأکید فراوانی بر حفظ احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت آن حضرت شده است و حفظ

و انتقال احادیث، ارج و اهمیتی فراوان یافته و پاداش بهشت برای آن مقرر گردیده است.

روشن است که انتقال و حفظ احادیث معصومین علیهم السلام به معنای حفظ و اشاعه‌ی گوهرهای بی بدیلی از دانش و حکمت است که از معدن الهی آن استخراج شده و همواره همچون چراغی روشن، راه فرزندان آدم را نورافشان می‌کند.

مخاطبان ارجمند می‌دانند که حفظ چهل حدیث، مورد تأکید پیامبر اعظم اسلام صلی الله علیه و آله و توجه ویژه‌ی عالمان دین بوده است، به گونه‌ای که کتاب‌های اربعین حدیث، مجلدات قابل توجهی از آثار عالمان بزرگ دینی را به خود اختصاص داده و امام راحل قدس سره نیز با نگاشتن کتاب اربعین به این مهم اهتمام ورزیده اند.

اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی با توجه به این مهم بر آن شد که اربعینی از سخنان امام حسن مجتبی علیه السلام را در مجموعه‌ای کوچک، به پیشگاه دوستداران و پیروان آن حضرت، تقدیم کند تا مؤمنان از خورشید پر فروغ اندیشه‌ی آن حضرت، خوشه‌های نور بچینند و از فروغ عالم آرای آن، بهره ور گردند. و در ذیل احادیث، اشعاری با نگاه به سخنان آن حضرت آورده شده است. امید است که دوستداران آن حضرت ما را از پیشنهادها و انتقادهای خود بی بهره نگذارند.

آستان قدس

معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

اداره امور فرهنگی



قَالَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

حَقُّ عَالِي الْمَزُورِ التَّحْفَةُ لِزَائِرِهِ

بر میزبان لازم است که به مهمانش هدیه دهد.

(ارشاد القلوب، ص ۷۲)

دریاب که بازار نخواهد برگشت
این گردش پرگار نخواهد برگشت
هرکس به زیارت کریمان برود
بی هدیه ز دیدار نخواهد برگشت



قَالَ لِحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

أَيُّهَا النَّاسُ نَحْنُ فِيكُمْ كَالشَّمْسِ الضَّاحِيَةِ

ای مردم! ما (اهل بیت) در میان شما همانند خورشید پرفروغیم.

(بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۵۸)

در ظلمت شب، تلالؤ خورشیدید
آینه‌ی صبح روشن امیدید
افراشته قامتان ایمان و عمل
فریاد بلند آیه‌ی توحیدید



قَالَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

وَلَعَمْرِي إِنَّا لَأَعْلَامُ الْهُدَى وَمَنَارُ التَّقَى

به جانم سوگند، پرچم‌های هدایت و نشانه‌های تقوی ماییم.

(تحف العقول، ص ۲۳۵)

فرموده‌ک: پرچم هدایت ماییم
آینه‌ی رستگاری و تقواییم
در دفتر روزگار تاریکی‌ها
مفهوم حضور روشن فرداییم



قَالَ لِحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ

خوب پرسیدن، نیمی از دانش است.

(کشف الغمة، ج ۱، ص ۵۷۵)

آن کس که نپرسید، رهش گمراهی است
آری نرسیدن از سر کوتاهی است
از مردم هشیار چو هشیاران پرس
یک پرسش خوب نیمی از آگاهی است



قَالَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

الْإِعْطَاءُ قَبْلَ السُّؤَالِ مِنْ أَكْبَرِ السُّؤَدِ

کمک کردن قبل از تقاضا، برترین آقایی است.

(بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۳)

می جویی اگر رسم جوانمردان را
بشنو زامام، سیرت آنان را
بی خواهش و دست طلبی بخشش کن
تقدیم زمین تشنه کن باران را



قَالَ لَكْسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ:

الْمَعْرُوفُ مَا لَمْ يَتَقَدَّمْهُ مَطْلٌ
وَلَا يَتَّبِعُهُ مَنْ

کار نیک آن است که در انجامش سستی نشود و در پی آن متی نباشد.

(بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۲)

در وادی خیر، قصد تقصیر نکن
این مرحله را پی به تدابیر نکن
کالای تو ای دوست نکوکاری توست
چون مشتری اش خداست، تاخیر نکن



قَالَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

اِسْتَعِدِّ لِسَفَرِكَ وَحَصِّلْ زَادَكَ
قَبْلَ حُلُولِ اَجَلِكَ

خود را برای سفر آماده و زاد و توشه ات را پیش از فرا رسیدن
اجل تهیه کن.

(بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۳۸)

زاد سفر اخروی آماده کنید
خود را ز جهان خاکی آزاده کنید
قبل از اجل ای مسافران ملکوت
رنج ره سخت مرگ را ساده کنید



قَالَ لَكْسَنٌ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ:

إِعْلَمْ أَنَّكَ تَطْلُبُ الدُّنْيَا وَالْمَوْتُ يَطْلُبُكَ

بدان که تو در پی دنیایی و مرگ در پی توست.

(بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۳۸)

عمری پی هیچ و پوچ، در ماندن چیست؟
با بال شکسته از سفر ماندن چیست؟
مرگ از پی ما چو سایه‌ای می آید
این قدر اسیر سیم و زر ماندن چیست؟



قَالَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

لَا تَحْمِلْ هَمَّ يَوْمِكَ الَّذِي لَمْ يَأْتِ عَلَى
يَوْمِكَ الَّذِي أَنْتَ فِيهِ

غم فردای نیامده را بر امروز خود تحمیل مکن.

(بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۳۸)

ما جمله مسافر و زمانه سفر است
عمر است که چون آب روان در گذر است
شاد آنکه از امروز برد بهره‌ی خویش
دیروز قضا شده است ، فردا قدر است



قَالَ لَكَسَنَ نُنَاقِلُكَ:

اِعْلَمَنَّ أَن فِي حَلَالِهَا حِسَابٌ وَفِي حَرَامِهَا عِقَابٌ وَفِي الشَّبَهَاتِ عِتَابٌ

بدان که در حلال دنیا حساب و در حرام آن عقاب و در موارد
شبهه ناک آن، سرزنش و عتاب است.

(بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۳۸)

آگاه شوید! در حلال است حساب
همراه حرام مال دنیاست، عقاب
با شبهه عتاب و سرزنش می آید
دنیاست شبیه تشنه و شوق سراب



قَالَ الْحَسَنُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ:

إِذَا أَرَدْتَ عِزًّا بِلَا عَشِيرَةٍ وَهَيْبَةً بِلَا
سُلْطَانٍ فَأَخْرِجْ مِنْ دُلِّ مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَى
عِزِّ طَاعَةِ اللَّهِ عِزًّا وَجَلَّ

اگر می خواهی بدون قوم و قبیله عزیز باشی و بدون قدرت و سلطنت
شکوه مند باشی از خواری معصیت به سمت عزت اطاعت و بندگی
خدا هجرت کن.

(بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۳۸)

بی هیچ عشیره، قدرت می بخشد
بی حشمت و جاه، هیبت می بخشد
از معصیت خدا اگر کوچ کنی
در طاعت خویش، عزت می بخشد



قَالَ لَكَسَنَ اللَّهُ:

قِيلَ لَهُ: مَا الْغِنَى؟ قَالَ: رِضَى النَّفْسِ بِمَا قُسِمَ لَهَا وَإِنْ قَلَّ

از حضرت سؤال شد توانگری چیست؟ فرمود: راضی بودن در برابر قسمت! هر چند کم باشد.

(تحف العقول، ص ۲۲۸)

پرسید کسی معنی استغنا را
تا شرح دهد امام این معنا را
فرمود: رضا به آنچه بخشیدندت
هر چند کم از ثروت این دنیا را



قَالَ الْحَسَنُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ:

إِنَّ جَارَ اللَّهِ آمِنٌ مَّحْفُوظٌ وَ عَدُوُّهُ خَائِفٌ
مَّخْذُولٌ

پناہندہ بہ خدا آسودہ و در امان و دشمن خدا، ترسان و بی یاور است.

(تحف العقول، ص ۲۲۹)

از کوردلان، نگاہ ہرگز مطلب
مقصد تو ز کورہ راہ، ہرگز مطلب
تا دشمن تو ہمیشہ بی کس باشد
از غیر خدا پناہ ہرگز مطلب



قُلْ لِّخَسَنَ الْعَالَمِينَ:

مَا تَشَاوَرِ قَوْمٌ إِلَّا هُدُوا إِلَىٰ رُشْدِهِمْ

هیچ گروهی با هم مشورت نکردند مگر آنکه راه درست را یافتند.

(تحف العقول، ص ۲۳۶)

خواهی که اسیر دست حیرت نشوی
در هردو جهان اهل ضلالت نشوی
در هر کاری همیشه هم‌فکری کن
تا جزو اسیران ندامت نشوی



قَالَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

مُدَارَاةُ النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ

مدارا کردن با مردم نیمی از خرد است.

(شرح نهج البلاغة ابن ابی الحديد، ج ۱۸، ص ۱۰۸)

زیباست زدبوی جهل، پروا کردن
آغوش به جانب خرد واکردن
نیمی است زببش و خردمندی و عقل
با خلق خداوند مدارا کردن



قَالَ لَكَسَنَ اللَّهُ:

النَّعْمَةُ مِحْنَةٌ، فَإِنْ شُكِرَتْ كَانَتْ
نِعْمَةً فَإِنْ كُفِرَتْ صَارَتْ نِقْمَةً

نعمت آزمایش است، اگر شکر آن به جای آورده شود حقیقتاً نعمت است و اگر ناسپاسی شود به گرفتاری تبدیل می گردد.

(بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۱۳)

یا رب! سبب زخم زبانم نکنی
شرمنده‌ی آفریدگانم نکنی
من شکر تو را نمی توانم گفتن
با نعمت بی حد امتحانم نکنی



قَالَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

مَنْ عَبَدَ اللَّهَ عَبَدَ اللَّهَ لَهْ كُلَّ شَيْءٍ

کسی که بندگی خدا کند خداوند همه چیز را بنده‌ی او می‌کند.

(بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۰۸)

باید که در این حریم، آهو باشی
دل‌بسته‌ی آن نرگس جادو باشی
خواهی که جهانیان مطیعت گردند
باید که مطیع و بنده‌ی او باشی



قُلْ لِّحَسَنِ اللَّهِ

فَوْتُ الْحَاجَةِ خَيْرٌ مِنْ طَلِبِهَا لَيْ غَيْرِ أَهْلِهَا

دست نیافتن به نیازها بهتر از درخواست آن از نا اهلان است.

(تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱۵)

می خواهی اگر درک کنی حال طرب را
از خود بتکانی همه ی رخوت شب را
بر وسوسه ی خواهش خود چشم فرو بند
بر درگه نااهل مبر دست طلب را



قَالَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

أَشَدُّ مِنَ الْمُصِيبَةِ سُوءُ الْخُلُقِ

بدتر از مصیبت، بد اخلاقی است.

(تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱۵)

کار همه جهان به دست احد است
اعمال بد و نیک همه مستند است
نزد همگان گر چه مصیبت سخت است
دشوارتر از مصیبت اخلاق بد است



قَالَ لِحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

عَلَيْكُمْ بِالْفِكْرِ فَإِنَّ حَيَاةَ قَلْبِ الْبَصِيرِ وَمَفَاتِيحُ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ

اهل اندیشه باشید که اندیشه، مایه‌ی حیات دل بینا و کلید
درهای حکمت است.

(بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۱۵)

با نور خرد دیده‌چو دمساز شود
سر زندگی و نشاط آغاز شود
اندیشه کنید تا که بر روی شما
درهای بهشت معرفت باز شود



قَالَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

الْمَصَائِبُ مَفَاتِيحُ الْأَجْرِ

گرفتاری‌ها کلید در پاداش اند.

(بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۱۳)

رنجت چو رسید سینه مخراش ای دوست
آگاه به راز آسمان باش ای دوست
گر نیک در احوال جهان غور کنی
در رنج و مصیبت است پاداش ای دوست



قَالَ لَكَسَنَ نُنَاقِشُكَ:

قِيلَ لَهُ: مَا الزُّهُدُ؟ قَالَ: الرَّغْبَةُ فِي التَّقْوَى وَالزَّهَادَةُ فِي الدُّنْيَا

از آن حضرت سؤال شد: زهد چیست؟ فرمود: دل بستن به تقوی و دل بریدن از دنیا.

(تحف العقول، ص ۲۲۷)

چون حاصل عمر خویش فردا ببری
آیا به جز از جامه‌ی تقوا ببری؟
کی مرتبه‌ی زهد به دستت برسد؟
تا چشم به مهمانی دنیا ببری



قَالَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِنَّ أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ

بهترین خوبی اخلاق نیکوست

(الخصال، ص ۲۹)

در عمر دو روزه خوبرویی بهتر
گر راحت خویش را نجویی بهتر
هر چند پُر است عالم از نیکی و خیر
اخلاق نکو ز هر نکویی بهتر



قَالَ لِحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ:

الْفُرْصَةُ سَرِيعَةٌ الْفَوْتُ بَطِيئَةٌ الْعَوْدُ

فرصت زود گذر و دیر بازگشت است.

(بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۳)

فرصت نه به تدبیر به دست آید
دشوار و نفسگیر به دست آید
فرصت به مثل شیهه تیر است و کمان
زودت برود، دیر بدست آید



قَالَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

اَللُّؤْمُ اَنْ لَا تَشْكُرَ النِّعْمَةَ

فرومایگی این است که شکر نعمت به جا نیاوری.

(تحف العقول، ص ۲۳۳)

هر کس به جز عشق را زیارت نکند
ویروس گنه به او سرایت نکند
نقل است امام مجتبی فرمودند:
پست است هر آنکه شکر نعمت نکند



قَالَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

وَقَالَ لِبَعْضِ وُلْدِهِ:
يَا بَنِيَّ لَا تُؤَاخِ أَحَدًا حَتَّى تَعْرِفَ مَوَارِدَهُ وَمَصَادِرَهُ فَمَاذَا اسْتَنْبَطَتْ
الْخُبْرَةَ وَرَضِيَتْ الْعِشْرَةَ فَأَخِيهِ عَلَى إِقْلَةِ الْعَثْرَةِ وَالْمُوَاسَاةِ فِي
الْعُسْرَةِ

امام حسن عَلَيْهِ السَّلَامُ به یکی از فرزندان خود فرمود: پسر من! با هیچ کس دوست
صمیمی مشو مگر آن که بدانی کجاها رفت و آمد دارد و چون خوب به این
مساله پی بردی و معاشرت او را پسندیدی، با او برادری کن به این شرط
که در لغزش هایش بگذری و او را در سختی ها یاری کنی.

(تحف العقول، ص ۲۳۳)

فرزند! برادری نکن با نفری
تا بشنوی از معاشرانش خبری
وقتی که پسندیدی و همراهت شد
باید زخما و لغزشش درگذری

قَالَ الْحَسَنُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ:

لَا تُجَاهِدِ الطَّلَبَ جِهَادَ الْغَلَبِ وَلَا تَتَّكِلْ عَلَى الْقَدَرِ لِتَكَالَ
 الْمُسْتَسْلِمُ فَإِنَّ ابْتِغَاءَ الْفَضْلِ مِنَ السُّنَّةِ وَالْجَمَالِ فِي الطَّلَبِ مِنَ
 الْعِفَّةِ وَلا يَسْتِ الْعِفَّةُ بِدَافِعَةٍ رَزَقُوا وَالْحِرْصُ بِجَلْبٍ فَضْلًا فَإِنَّ
 الرِّزْقَ مَفْسُومٌ وَاسْتِعْمَالُ الْحِرْصِ اسْتِعْمَالُ الْمَأْتَمِرِ

در طلب روزی مانند کسی که برای پیروزی پیکار می کند، مکوش و به تقدیر نیز
 چندان تکیه مکن که مانند شخص تسلیم شده هیچ تلاشی نکنی؛ در جستجوی
 فضل و روزی خدا برآمدن، از سنت است و انتخاب راه اعتدال در طلب روزی،
 از عفت. نه عفت مانع روزی است و نه حرص سبب افزایش آن، چرا که روزی
 قسمت شده و حرص و رزوی موجب افتادن در ورطه‌ی گناه است.

(تحف العقول، ص ۲۳۳)

در کسب معاش بر سر جنگ مباش
 هرگز به قضا و قدر آونگ مباش
 از فضل خدا طلب نما کوشش کن
 از حرص و طمع بگذر و دلتنگ مباش



قَالَ لِحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ:

لَا تُعَاجِلِ الذَّنْبَ بِالْعُقُوبَةِ وَاجْعَلْ
بَيْنَهُمَا لِلِاعْتِذَارِ طَرِيقًا

در کیفر گناه دیگران شتاب مکن و راهی برای عذرخواهی
باقی بگذار.

(بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۳)

از لغزش و جرم دوستان چشم پپوش
تا شعله‌ی خشم را نمایی خاموش
راهی به قبول عذرخواهی بگذار
در کیفر خاطیان به تعجیل مکوش



قَالَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

عَجِبْتُ لِمَنْ يَتَفَكَّرُ فِي مَأْكُولِهِ كَيْفَ
لَا يَتَفَكَّرُ فِي مَعْقُولِهِ فَيُجَنَّبُ بَطْنَهُ مَا يُؤْدِيهِ
وَيُودِعُ صَدْرَهُ مَا يُرْدِيهِ

در شگفتم از کسی که درباره‌ی خوراکی‌های خود اندیشه و تامل می‌کند و لیکن درباره‌ی نیازمندی‌های فکری و عقلی‌اش تامل نمی‌کند، از آنچه معده‌اش را اذیت می‌نماید، پرهیز می‌کند و دل خود را از پست‌ترین چیزها پرمی‌کند.

(بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۱۸)

مردم به غذای خویش دقت دارند
کی لقمه‌ی ناگوار بر می‌دارند؟
من در عجبم چرا برای دل خویش
گر پست‌ترین خوراک را بگذارند؟



قَالَ لِحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ:

السَّمَاخَةُ الْبَدَلُ فِي الْيُسْرِ وَالْعُسْرِ

بزرگی آن است که در سختی و در گشایش، بذل و بخشش کنی.

(کافی، ج ۴، ص ۴۱)

هر کس که دلش به آسمان پیوسته است
از کوچکی دغدغه‌ها وارسته است
در سختی و راحتی کرم خواهد کرد
می‌بخشد اگر چه دست و بالش بسته است



قَالَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

لَا فِقْرَ مِثْلُ الْجَهْلِ

هیچ فقر و ناداری مانند جهل و نادانی نیست.

(بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۱)

در سینه‌ی هر که نور دانش جاریست
حرف و سخنش آینه‌ی بیداری است
از دانش و علم ثروتی افزون نیست
ناداری جهل بدترین ناداریست



سُئِلَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

فَمَا الْكَرَمُ؟ قَالَ: الْإِبْتِدَاءُ بِالْعَطِيَّةِ قَبْلَ
الْمَسْأَلَةِ وَإِطْعَامُ الطَّعَامِ فِي الْمَحَلِّ

از امام حسن علی‌علیه‌السلام سوال شد، کرم و بخشندگی چیست؟
فرمودند: بخشش کردن قبل از تقاضا، و غذا دادن به هنگام خشکسالی.

(بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۰۲)

می جویی اگر رسم جوانمردان را
بشنو ز امام، سیرت آنان را
بی خواهش و دست طلبی بخشش کن
تقدیم زمین تشنه کن باران را



قَالَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

لَا أَدَبَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ

آن کس که عقل ندارد، ادب ندارد

(بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۱)

اندیشه ز احوال جهان در عجب است
بس نکته که در طی شدن روز و شب است
از برکت عقل هر که آگاه نشد
بی حاصل و محروم ز فیض ادب است



قَالَ لَكَسَنَ اللَّهُ:

لَا حَيَاءَ لِمَن لَّا دِينَ لَهُ

آن کس که دین ندارد، حیا ندارد.

(بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۱)

گل را به خس و خار بیابان ندهند
بی رنج، بهشت را به انسان ندهند
چون غنچه زشرم پرده بر خویش بیوش
آن را که حیا نداشت ایمان ندهند

قَالَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

لَا مَرْوَةَ لِمَنْ لَا هِمَّةَ لَهُ

آن کس که همت ندارد، جوانمردی ندارد.

(بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۱)

ای دوست بیاموز ره مردی را
از خود بتکان رخوت و دلسردی را
هر کس که مجال همتش کوتاه است
هرگز نکند درک، جوانمردی را



قَالَ الْحَسَنُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ:

إِذَا أَضْرَبَ التَّوَّافِلُ بِالْفَرِيضَةِ فَارْفُضُوهَا

هر گاه مستحبات به واجبات آسیب رساند، آنها را ترک کنید.

(بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۰۹)

با دست تهی، بذل مکن، وام مده
دل برگذر سریع ایام مده
تهدید کند چو مستحب، واجب را
در هیچ شرایطی تو انجام مده



قَالَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِنَّ أَبْصَرَ الْأَبْصَارِ مَا نَفَذَ فِي الْخَيْرِ مَذْهَبُهُ
وَاسْمَعَ الْأَسْمَاعِ مَا وَعَى التَّذْكَيرَ وَانْتَفَعَ
بِهِ وَاسْلَمَ الْقُلُوبَ مَا طَهَّرَ مِنَ الشُّبُهَاتِ

به راستی، بیناترین دیده‌ها آن است که در پی نیکی باشد و شنواترین گوش‌ها آن است که تذکرها را بشنود و از آن بهره گیرد و سالم‌ترین دل‌ها آن است که از شک و شبهه‌ها پاک باشد.

(بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۰۹)

چشمی که به خیر وا شود، بیناتر
گوشی که تذکر شنود، پویاتر
و آن دل که ز شک و شبهه‌ها پاک شود
از هر دلی اندر این جهان، والاتر



قُلْ لِحَسَنِ اللَّهِ:

إِنَّ مَنْ طَلَبَ الْعِبَادَةَ تَزَكَّى لَهَا

همانا هر که مشتاق عبادت است خود را برای آن پاک و پاکیزه نماید.

(بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۰۹)

باید گل سرزمین ادراک شدن
از خاک برآمدن به افلاک شدن
گر شوق عبادت است در دل، باید
چون شبنم صبح، تازه و پاک شدن



قال الحسن البصري:

التَّقْوَىٰ بَابٌ كُلُّ تَوْبَةٍ وَرَأْسُ كُلِّ
حِكْمَةٍ وَشَرَفُ كُلِّ عَمَلٍ

پرهیزکاری راه ورود به هر توبه و بلندای هر حکمت و مایه‌ی شرافت هر عمل است.

(بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۰)

تقواست در توبه و رحمت، یاران
سرچشمه‌ی علم و رأس حکمت، یاران
کردار کسی که اهل پرهیز بود
آذین شده با گُل شرافت، یاران



قَالَ لِحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

لَلْيَنْبَغِي لِمَنْ عَرَفَ عَظَمَةَ اللَّهِ أَنْ يَتَعَاضَمَ

سزاوار نیست کسی که عظمت خدا را شناخته، برای خود عظمتی
قایل شود.

(بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۴)

آن کس که شناخت حضرت باری را
آموخت حدیث سبز بیداری را
در سایه‌ی آن‌همه شکوه و عظمت
احساس کند کوچکی و خواری را